پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۸۱ـ۹۹ (مقاله پژوهشی)

No. 29, Autumn & Winter 2021/2022

نقش عقل در حجیت خبر واحد

سیدعبدالرحیم حسینی[۱]، سیدمصطفی ملیحی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۱۵ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۷)

چکیده

مبانی حجیت خبر واحد به عنوان یکی از ارکان استنباط و اجتهاد فقه شیعی عرصه‌ای مشترک بین علم حدیث و دانش اصول فقه است. از جمله مستندات مهم اعتبار اخبار آحاد که برخلاف سایر ادله تا حدود زیادی مورد اتفاق است، دلالت عقل برحجیت آن است، از آنجا که این مطلب از ناحیه سه دیدگاه مختلف حدیثی، اخباری و اصولی مورد توجه قرار گرفته، دست‌یابی به گفتمان مشترک بین ایشان را سخت می‌نماید. نظریّه طرفداران اعتبار عقلی اخبار آحاد، به هر دو معنای آن یعنی قرائت شیخ طوسی مبنی بر قرینه‌گی عقل و قرائت محقق حلّی که مصلحت عقلیه را مستند اعتبار عقلی می‌شناسد، پس از ایشان به خصوص میان متأخران دچار قبض و بسط فراوان گردید و بین متأخران و معاصران در قالب سه نظریه علم اجمالی به صدور اخبار آحاد و تاکید بر عمل وفق این اخبار به اقتضای منجزّیت علم اجمالی، نظریه لابدّیت فاضل تونی مبنی بر ناگزیر بودن از استناد به خبر واحد برای حفظ تکالیف و احکام و نظریّه تمسک به ظنون شیخ محمدتقی اصفهانی که با توجه به انسداد باب علم و عدم امکان تحصیل حکم قطعی از یک سو و ضرورت عمل به تکالیف از دیگر سو الزام عمل به خبر واحد را لازم دانسته است. پس از نقد و بررسی هر سه نظریّه دیدگاه شهید سیدمحمد باقر صدر و سیدمحمدکاظم یزدی مبنی بر اعتبار عقلی خبر واحد در صروت نبود منع عقلی مستدل گردیده است.

کلید واژه‌ها: خبر واحد، متواتر، عقل، علم اجمالی، تکلیف، اخباری، اصولی

۱. دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ abd.hosseini@ut.ac.ir
۲. استادیار دانشگاه سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ s.mostafa.malihi@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

مقدمه و بیان مسأله

حجیت و اعتبار احادیث و اخبار پیوسته با دو سوال اساسی مواجه بوده است؛ نخست؛ کیفیت اثبات استناد حدیث به معصومان علیهم‌السلام. دوم؛ اثبات حجیت دلالت و ظهور پس از اثبات استناد. براساس سبک معمول بین عالمان حدیث و دانش اصول فقه، حجیت اخبار آحاد با ادله اربعه مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. دلالت عقل و کیفیت استدلال به آن در این خصوص از مسائل دیرین و باسابقه است. امری که تاریخی به قدمت خود خبر واحد دارد، مسئله‌ای که به‌رغم اهمیت و پیشینه آن کم‌تر مورد توجه قرار گرفته و بحث جامع دربرگیرنده نظریات مطرح درباره آن صورت نگرفته است. البته قدما و متاخران از عالمان دانش اصول و اهل‌حدیث توجه به امکان عقلی وقوع تعبد به خبر واحد و وقوع این تعبد را یک مسئله می‌دانستند و خود را در مقابل سوال جدی پیرامون آن می‌دیده‌اند. چنان‌که سیدمرتضی علم‌الهدی (متوفای ۴۳۶ قمری) درالذریعه الی اصول الشریعه به اختلاف‌نظر قبل از خود در این زمینه اشار کرده می‌گوید: «خبر واحد ـ مجرد از قرینه ـ موجب علم نیست بلکه صرفاً ظن غالب به صدق راوی عادل را درپی دارد، اما نظام از متکلمان مسلمان معتقد است خبر واحد منشأعلم است و براساس قرائن و اسباب طبق آن عمل می‌گردد. بعضی دیگر گفته‌اند خبر واحد موجب علم ظاهر است. و عده‌ای گفته‌اند هر خبری که عمل طبق آن واجب باشد موجب علم است.» (سیدمرتضی علم الهدی، ۴۱/۲) سیدمرتضی در ادامه به اختلاف‌نظر صریح‌تری از جواز و عدم جواز عقلی استناد کرده و در مسیر اعتماد به خبر واحد می‌افزاید: «عده‌ای از متکلمان معتقدند عمل براساس خبر واحد عقلاً جائز نیست. حال آن‌که از نظر ما به لحاظ عقلی این نوع خبر قابل استناد است. و خبر واحد نیز ممکن است طریقی به معرفت احکام باشد و از این نظر در عداد سایر ادله شرعیه است. و در تحریم یک فعل فرقی نیست بین عبارت: «قال النّبی صلی‌الله علیه و آله «إنّه حرام» و بین عبارت: «إذا أخبرکم عنّی بتحریمه فلان فحرّموه».) (همانجا، ۴۵/۲)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

شیخ طوسی (متوفـای ۴۶۰ هجـری) پیرامـون اعتبـار عقلـی اخبـار آحـاد در کتـاب الاستبصار فیما اختلف من الأخبار نظریه‌ای را مطرح نمـود کـه پـس از وی مـورد توجـه بسیاری از اهل حدیث قرار گرفت و خوانش‌ها و تفاسیر گوناگون از آن ارائـه کردنـد. تعبیـر ایشان چنین است: «اخبار دو گونه‌اند، متواتر و غیرمتواتر، متواتر موجب علم است، و آن چـه از این طریق ثابت می‌گردد بدون نیاز به هیچ ضمیمه و مرجّح مورد عمـل واقـع مـی‌شـود و اخباری که این‌گونه باشند محل تعارض نیستند، همان‌گونه که بسیاری از اخبار نبـوی(ص) و ائمه(ع)، از این قبیل است. اخبار غیرمتواتر خود بر دوگونه است، نخسـت؛ خبـری کـه ماننـد متواتر موجب علم است، و آن‌چه از این قبیل است واجب‌العمل و ملحق بـه قسـم اول اسـت. دوم؛ اخبار عاری از قرینه و ملحق به خبرواحد.» (شیخ طوسی، الاستبصار، ۳/۱)

شیخ‌الطائفه پس از این تقسیم‌بندی به قرائن موید اخبار اشاره نمـوده و قسـم اول از آن را عقل دانسته می‌نویسد: «منها ان تکون مطابقة لادلـة العقـل و مقتضـاه، و منهـا ان تکـون مطابقة لظاهر القرآن: إما لظاهره أو عمومه او دلیل خطابه أو فحواه، فکلّ هذه القرائن توجب العلم و تخرج الخبر عن حیّز الآحاد و تدخله فی باب المعلوم.»

شیخ در ادامه به قاعده‌ای کلی توجه داده می‌افزاید: «فان جمیع هذه القرائن تخرج الخبر من حیّز الآحاد و تدخله فی باب المعلوم و توجب العمل به.» (همانجا، ۳/۱)

بنابراین عقل نیز در کنار ظواهر، عمومات، اطلاقات و اجماعات می‌تواند خبر واحـد را از محدوده واحد بودن و عدم اعتبار بیرون برده و در زمره اخبار معلوم و معتبر برای عمـل قرار دهد.

محقق حلی، جعفربن حسن (متوفای ۶۷۶ هجری) ضمن انعکاس روایت سیدمرتضی از این اختلاف می‌افزاید: «اهل ظاهر خبر واحد را مفید علم می‌دانند. نظـام معتقـد اسـت اگـر خبر مقترن به قرائن عقلی و غیرعقلی باشد مفید علم است. اما نظر ایشان باطل است چـون در موارد فراوان بطـلان خبـر و غیرواقعـی بـودن آن را مـی‌بینـیم، ... ابـن‌قبـه، محمـدبن عبدالرحمن (از متکلمین امامیّه و صاحب کتاب الانصاف فی الامامـه) و جمـاعتی از اهـل

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

کلام مخالف تعبّد عقلی به خبر واحدند، چون آن را مفید علم نمی‌دانند و منبع برای حکم و عمل نیز نمی‌شناسند. البته اگر تعبّد به آن مشتمل بر مصلحت باشد از آنجا که اساس شرایع بر مصالح است، تعبد به آن معتبراست.» (محقق حلی، ۲۰۳)

نظریّه طرفداران اعتبار عقلی اخبار آحاد، به هر دو معنای آن یعنی قرائت شیخ طوسی مبنی بر قرینه‌گی عقل و قرائت محقق حلّی که مصلحت عقلیه را مستند اعتبار عقلی می‌شناسد، پس از ایشان به خصوص میان متأخران دچار قبض و بسط فراوان گردید، عده‌ای مانند عالمان اخباری به‌رغم مخالفت با دلیلیّت عقل در سایر موارد و ابطال حجیت استقلالی آن به‌عنوان دلیل مستقل، از جمله مبانی مهم پذیرش و اعتبار این دسته از اخبار را عقل دانسته‌اند. امری که از نگاه مشهور عالمان علم اصول دست‌کم از حیث استدلال‌های طرح شده از جانب اخباری‌ها مورد انتقاد قرار گرفته و ردّ یا قبول آن را منوط به ادله دیگری دانسته‌اند که در طول مقاله مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱ـ نظریه بنیادین سیدمرتضی و محقق حلی

سیدمرتضی در مقام مخالفت با اعتبار و حجیّت خبر واحد، نظریّه ابوعلی جبائی از اهل سنت را مورد توجه قرار داده است، ابوعلی معتقد است شرط اعتبار خبر، روایت آن به توسط دو نفر عادل است، و این سلسله باید تا منبع صدور خبر از رسول خدا(ص) استمرار داشته باشد. (سیدمرتضی، ۵۹۲/۲، ۴۱۷) پس ازوی جمعی که شیخ‌الطائفه طوسی نیز از ایشان است روایت یک نفر عادل امامی را شرط دانسته‌اند. (طوسی، العدة فی اصول الفقه، ۱۰۰/۱)

استدلال انتقادی سیدمرتضی در خصوص این نظریه چنین است: «و الّذی یدلّ علی صحّة ما ذهبنا إلیه أنّه لاخلاف بیننا و بین محصّلی مخالفینا فی هذه المسألة أنّ العبادة بقبول خبر الواحد و العمل به طریقة الشّرع و المصالح، فجری مجری سائر العبادات الشّرعیّة فی اتّباع المصلحة، و أنّ العقل غیر دالّ علیه، و إذا فقدنا فی أدلّة الشّرع ما یدلّ علی وجوب العمل به؛ علمنا انتفاء العبادة به، کما نقول فی سائر الشّرعیّات و العبادات الزّائدة علی ما

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

أثبتناه و علمناه و علی هذه الطّریقة نعوّل کلّنا فی نفی صلاة زائدة و صوم شهر زائد علی ما عرفناه، و فی أنّ مدّعی النّبوة و لا معجز علی یده لیس بنبیّ.» (سیدمرتضی، ۵۴/۲) طبق این سخن ترجمه: «آن‌چه بر درستی ادعای ما دلالت دارد، این است که اختلاف نداریم تعبد به خبر واحد و عمل براساس آن لازم است از طریق شرع و مصالح (ملحوظ) باشد، و از نظر تابع مصلحت بودن مانند دیگر عبادات شرعیه است. و عقل (هم) دلالت بر آن ندارد، و اگر دلیل شرعی بر آن نداشته باشیم تعبد به آن منتفی خواهد بود، چنان‌که در خصوص شرعیّات و عبادات زائد بر آن‌چه ثابت و معلوم است بر این اساس عمل می‌گردد، و همگان بر این مبنا نماز و روزه زائد بر آن‌چه معلوم و مقرر است را نفی می‌کنیم، (و در عقائد) مدعی نبوّت را اگر فاقد معجزه باشد پیامبر نمی‌شناسیم.»

اثبات اعتبار و حجیت خبر واحد و عمل به آن صرفاً منوط به آموزه‌های شریعت و مصالحی است که از این ناحیه مقرر می‌گردد، و تفاوتی بین تعبد به خبر واحد و پذیرش آن با سایر عبادات شرعیه نیست، اگر در آن‌ها تابع مصلحت هستیم در این مورد هم این‌چنین است، مصلحتی که از طریق عقل اثبات نمی‌گردد و برای حصول آن نیازمند تصریح به نص و ثبوت شرعی هستیم و اگر از طریق شرع نتوانیم به اثبات آن بپردازیم این در حکم عدم اعتبار تعبد به آن خواهد بود، همان‌گونه که در دیگر عبادات بلکه اعتقادات نیز این‌گونه عمل می‌گردد.

محقق حلی در تنقیح و تحلیل مبنای سیدمرتضی نظریه ایشان را این‌گونه استدلالی می‌نماید: «بأنّه لو وجب العمل به لعلم إمّا بالعقل أو النقل، و القسمان باطلان» (محقق حلی، ۲۰۷) وی در بیان این ملازمه توضیح می‌دهد: «چون اگر تکلیف وارد شود، لازم است مکلف طریق به آن داشته باشد، و تکلیف به چیزی که راهی به آن نیست قبیح است. و انحصار طریق در عقل و نقل ظاهراست.» وی در بیان عدم کفایت عقل برای این مقصود می‌افزاید: «عده‌ای برای اثبات حجیت خبر واحد به عقل استناد نموده‌اند مانند ابن سریج... استدلال ایشان این است که عمل به خبر واحد دافع ضرر و خسارت است و هر آن‌چه این‌گونه باشد عمل به آن واجب است، اما این‌که دافع ضرر است چون قول رسول

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

خدا(ص) در صورت اثبات وثاقت راوی آن مفید ظن غالب است و مخالفت‌اش زیان و خسارت. لذا دافع ضرر بودنش امری واضح و روشن است.

محقق در نقد این نظریه آورده است: «این‌که مخالفت باخبر را منشأ ضرر بدانیم صحیح نیست. و نمی‌توان گفت ظن به صدق گفتار راوی مومّن از عقاب و تکلیف‌آور است، حال آن‌که روایت فاسق بلکه روایت کافر هم ظن‌آور است اما به آن عمل نمی‌کنیم.» (محقق حلی، ۲۰۸)

۲ـ خوانش اخباری از اعتبار عقلی خبرواحد

ملامحمدامین استرآبادی (متوفای ۱۰۳۶ق) به‌رغم انتقادات جدی نسبت به حجیت عقل به عنوان دلیل مستقل، قرینه‌گی و دلیلیت آن برای پذیرش اخبار آحاد را در چارچوب توضیح و تفسیر دیدگاه محقق حلی و شیخ‌الطائفه طوسی این‌گونه تأکید می‌نماید: «از گفته شیخ طوسی در کتاب استبصار چنین استفاده می‌گردد که اخبار وارده در کتب حدیثی امامیّه که مورد اجماع و اتفاق و مرجع در بیان عقائد و احکام اعمال‌اند،و تماماً از ناحیه ائمه معصومان(ع) وارد گردیده یا به تقریرایشان شکل گرفته‌اند، منحصر در سه قسم‌اند: نخست؛ اخباری که صحت مضمون آن‌ها متواتر است لذا تناقض در آن‌ها جایز نیست. دوم؛ اخباری که قرینه‌ای دال بر صحت مضمون آن‌ها وجود ندارد. سوم؛ اخباری که در صورت داشتن مرجح در مقام تعارض قابل عمل و مورد استنادند.» (استرآبادی، ۱۴۱)

استرآبادی ضمن بر شماری قرائن مقتضی اعتبار و تأیید اخبارآحاد می‌گوید: «...لازم است مضمون خبر مطابق دلیل عقلی قطعی باشد. مانند خبر دال بر این‌که تکلیف به شخص غافل تعلق نمی‌گیرد و مادام‌که انسان غافل است مکلف هم نیست... البته مطابقت با دلیل عقلی ظنی مبنای عمل قرار نمی‌گیرد و معتبر نیست، از قبیل استصحاب و نفی حکم به سبب عدم ظهور مدرک... خبری که از قرینه عقلی قطعی برخوردار است معتبر خواهد بود... این تحلیل از کلام شیخ‌الطائفه مطابق برداشت محقق حلی و صاحب معالم از ایشان است.» (همانجا، ۱۴۱)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

استرآبادی دربرداشت دیگری که ظاهراً نظریه مستقل و سازگار با مبانی ایشان است، می‌گوید: «شرطیت موافقت با ادله عقل و آن‌چه مقتضای عقل است بر این اساس صورت پذیرفته که اشیاء از نظر عقل بر دو قسم‌اند، یا حکم حظر دارند یا حکم اباحه، اما بر مذهب ما اصل بر توقف است، اگر خبری متضمن حظر یا اباحه وارد گردد، و دلیل برخلاف آن وجود نداشته باشد، خود این، دلیل بر صحت محتوای خبر است مگر این‌که دلیل متقن مخالف در بین باشد. اصل بر این است، اگر خبری حاکی از حظر بود و دلیل دال بر اباحه در بین نبود مخالفت با آن جایز نیست، چون این حکمی است که از عقل استفاده می‌گردد، (اما این‌که این وضعیت مفید یقین باشد) سزاوار نیست مدعی قطع باشیم، چون خبر واحدی است که مفید علم نیست تا براساس آن قطع حاصل شود و در عین حال موجب این نیست که طبق آن عمل گردد.» (همانجا، ۵۳)

عاملی در شرح بر استبصار شیخ طوسی از نخستین ناقدان خوانش اخباری از نظریه شیخ طوسی درخصوص حجیت عقلی خبر واحد است که پس از طرح عبارت شیخ مبنی بر: «و القرائن أشیاء کثیرة منها ان تکون مطابقة لادلة العقل و مقتضاه.» دلیل عقل مورد اشاره در عبارت ایشان را مجمل و کلی دانسته ضمن بیان مراد از آن به انتقاد از این نظریه پرداخته در تحلیل خود می‌نویسد:

«پر واضح است تعبیر مطابقت خبر با ادله عقل مجمل است، زیرا دلیل عقل طبق آن‌چه شهید در کتاب الذکری آورده اقسامی دارد. نخست؛ مواردی که حکم عقل متوقف بر خطاب شرعی نیست، مانند وجوب رد ودیعه، قضاء دین، برائت اصلیه و استصحاب. دوم؛ مواردی‌که عقل در حکم خود متوقف بر خطاب شرعی و وابسته به نص پیشین است، مانند حکم به وجوب مقدمه واجب، فحوی الخطاب و لحن الخطاب...» حال اگر مراد شیخ‌الطائفه از دلیل عقل همه این موارد باشد، این مدعا تمام نیست و تردید نیست مراد ایشان آن دسته از عقلیّات است که متوقف بر خطاب نیستند، زیرا دلیل متوقف بر خطاب (به خاطر استلزام دور) نمی‌تواند مویّد خطاب باشد، و دفع آن واضح است... . ظاهر امر این است که مراد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

شیخ از این علم، ظن راجح است؛ زیرا علم حقیقی مطابق نفس‌الامر مشکل‌الحصول است، چون معیار مطابقت (که ملاک صدق است) در محسوسات خود حس است. اما در معقولات ملاک اعتقاد مطابقت است، و اعتقاد مطابقت لازم است مطابق اعتقاد دیگری باشد و به همین ترتیب ادامه پیدا می‌کند و می‌شود تسلسل یا دور... در هر حال عقل و اقتران این قرائن مقتضی علم نیست و موجب عمل طبق آن‌ها نخواهد بود.» (عاملی، ۵۳/۱)

سیدنعمت الله جزائری در انتقاد از نظریه سیدعاملی می‌گوید: «اگر مراد ایشان عدم العلم پس از حصول قرینه است محل اشکال است، (زیرا علم حاصل شده قابل نفی نیست) علاوه این‌که مراد از علم در اینجا علم شرعی است و ظن راجح را نیز در برمی‌گیرد و تردید در حصول آن از طریق قرائن یاد شده مقتضای عقل نیست.» سیدجزائری علاوه بر استناد به استدلال و تقسیم‌بندی شهید اول از دلیل عقلی و تأکید بر قاعده ملازمه بین حکم عقل و شرع می‌افزاید: «و قد نبّه علیه فی الحدیث بقولهم (ع): «کلّ شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال حتّی تعرف الحرام بعینه فتدعه.» (جزائری، ۱۰۸/۲)

۲ـ۱. نقد نظریه اخباری‌ها

همان‌گونه که در طرح نظریه سیدمرتضی و محقق حلی اشاره شده خوانش اخباری‌ها از اعتبار عقلی خبر سابقه‌ای دیرینه دارد و زمان قبل از اخباری‌ها نیز با انتقاداتی مواجه گشته اما پس طرح مجدد این دیدگاه و نگاه نوین اخباریها به آن از آنجا که استدلال ایشان بر پایه‌ای غیرقابل قبول از نگاه عالمان اصول نهاده شده بود، با حساسیت بیشتری مورد انتقاد واقع شده است.

شیخ انصاری در کتاب فرائد الاصول ذیل دلیل چهارم اعتبار خبر واحد با عنوان «دلیل عقل بر حجیت خبر» می‌نویسد: «براساس این دلیل اکثر اخبار بلکه همه آن‌ها صادر از ائمه(ع) خواهد بود، جز موارد شاذّ و نادر به گونه‌ای که صرف ورود خبر در کتاب‌های حدیثی مساوق و مساوی با مستند و صحیح بود آن است. حال آن‌که ارباب کتب از مشایخ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

ثلاثه و غیر ایشان از قدما پیوسته در تنقیح اسناد احادیث و تهذیب آن‌چه در کتاب‌های خود آورده‌اند، کوشش کرده و به صرف نقل در کتابی اکتفا نمی‌نموده‌اند، تا چه رسد به آن دسته از کتاب‌هایی که مشتمل بر احادیث مجعول و غیرمنطبق با واقع‌اند.» (شیخ انصاری، ۳۵۱/۱) به خصوص این‌که اهل تحقیق می‌گویند «ان الامارات الکاشفه عن اهتمام اصحابنا فی تنقیح الاخبار فی الازمنه المتأخره عن زمان الرضا(ع) اکثر من ان تحصی و یظهر للمتتبع» (همانجا، ۳۵۴)

شیخ انصاری در نقض آن‌چه اخباری‌ها گفته‌اند در نتیجه‌گیری کلی معتقد است، نقل حدیث و درج آن در کتب حدیثی تابع منطق مشخص و سبک لازم‌الاتباعی بوده است. و صاحبان کتب حدیثی اصرار داشته‌اند که حدیث را از صاحب کتاب قبلی یا از شخصی که از ایشان شنیده است روایت کنند، لذا صرفاً روایاتی را آورده‌اند که شنیده‌اند و می‌گوید: «و الحاصل أن الظاهر انحصار مدارهم علی إیداع ما سمعوه من صاحب الکتاب أو ممن سمعه منه فلم یکونوا یودعون إلا ما سمعوا ولو بوسائط من صاحب الکتاب و لو کان معلوم الانتساب مع اطمئنانهم بالوسائط و شدة وثوقهم بهم. حتی أنهم ربما کانوا یتبعونهم فی تصحیح الحدیث و رده کما اتفق للصدوق بالنسبة إلی شیخه ابن الولید قدس سرهما.و ربما کانوا لا یثقون بمن یوجد فیه قدح بعید المدخلیة فی الصدق و لذا حکی عن جماعة منهم التحرز عن الروایة عمن یروی من الضعفاء و یعتمد المراسیل و إن کان ثقة فی نفسه کما اتفق بالنسبة إلی البرقی. بل یتحرزون عن الروایة عمن یعمل بالقیاس مع أن عمله لا دخل له بروایته کما اتفق بالنسبة إلی الإسکافی حیث ذکر فی ترجمته أنه کان یری القیاس فترک روایاته لأجل ذلک.» (همانجا، ۳۵۳/۱)

ترجمه: «حاصل آنکه، معیار پذیرش خبر از سوی محدثین استماع حدیث از صاحب کتاب یا شخصی است که روایت را از وی شنیده باشد. لذا حدیثی را نقل نموده و معتبر می‌دانند که ـ باواسطه یا بی‌واسطه ـ از صاحب کتاب شنیده‌اند، اگرچه علم به این انتساب حاصل اطمینان به واسطه‌ها و شدّت وثوق به ایشان باشد. تا جایی که گاه در تصحیح

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

حدیث از ایشان تبعیت نموده‌اند. چنانکه در مناسبات صدوق و شیخ ایشان ابن الولید این قاعده حاکم بوده. راوی مورد قدح و بعید از احتمال صدق را توثیق ننموده‌اند، لذا جماعتی از محدثین بر این باور بوده‌اند از روایت شخصی که از ضعفا نقل حدیث می‌کند یا به احادیث مرسل اعتماد می‌کند دوری نمایند اگرچه خود شخص در حد ذات خود ثقه باشد ـ همان‌گونه که در خصوص محدث برقی این چنین عمل نموده‌اند ـ بلکه از روایت هر که به قیاس عمل نموده ـ با این‌که می‌دانستند عمل وی اثری در روایت‌اش نداشته ـ دوری نموده‌اند، چنان‌که در خصوص اسکافی می‌بینیم، از آنجا که در ترجمه وی گزارش شده قیاس را معتبر می‌دیده به همین سبب روایات وی را کنار نهاده شده است.»

شدت اهتمام اهل روایت به اثبات استناد محسوس و قطعی حدیث ـ علاوه بر این‌که این روایات اساس دین راشکل می‌دهند و قوام شریعت سیدالمرسلین(ص) به آن‌هاست ـ چنان است که امام (علیه‌السلام) در شأن برخی از محدثان فرموده است: «اگر ایشان نبودند آثار نبوت از بین می‌رفت» (حر عاملی، ۱۰۳/۱۸۸)... ائمه (ع) براساس آن‌چه از روایات بسیار استفاده می‌گردد فرموده‌اند؛ دروغگویان احادیثی را در کتب ایشان وارد نموده‌اند.» (شیخ انصاری، ۳۵۵/۱) چنان‌که در اختیار معرفه الرجال آمده است:

«أنّه عرض یونس بن عبد الرحمن علی سیّدنا أبی الحسن الرضا علیه‌السّلام کتب جماعة من أصحاب الباقر و الصادق علیهماالسّلام، فأنکر منها أحادیث کثیرة أن تکون من أحادیث أبی عبداللّه علیه‌السّلام، و قال صلوات اللّه علیه: «إنّ أبا الخطّاب کذب علی أبی عبداللّه علیه‌السّلام، و کذلک أصحاب أبی الخطّاب یدسّون هذه الأحادیث إلی یومنا هذا فی کتب أصحاب أبی عبداللّه علیه السّلام.» (همانجا)

ترجمه «یونس بن عبدالرحمن نوشته‌های جماعتی از اصحاب امام باقر و امام صادق(علیهماالسلام) را محضر امام رضا (علیه‌السلام) عرضه داشتند، آن حضرت بسیاری از آن‌ها را از جمله احادیث امام صادق (علیه‌السلام) ندانستند و فرمودند: «ابوالخطاب به امام صادق (علیه‌السلام) دروغ بسته، و اصحاب ابوالخطاب تا به امروز این احادیث را در کتاب‌های اصحاب آن حضرت (علیه‌السلام) گنجانده‌اند.»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

۳ـ نظریّه‌ی علم اجمالی به صدور احادیث

با اشکالات و انتقادات به دیدگاه اخباری‌ها و نظریه قبول مطلق احادیث، برخی صاحب‌نظران طرفدار حجیّت عقلی خبر از این موضع تنزل نموده و گفته‌اند؛ اگر همه احادیث مندرج در کتب روائی را قبول نکنیم دست کم باید به این مطلب توجه داشته باشیم که به علم اجمالی واضح و روشن است که بسیاری از این احادیث از ائمه(ع) صادر شده‌اند. (شیخ انصاری، ۳۵۶/۱)

شیخ انصاری در تبیین این دیدگاه توضیح و بررسی مفصلی دارد که ملخص آن چنین است: اگر علم اجمالی منجز تکلیف باشد، مستلزم این است همه امارات غیرمعتبره از قبیل شهرت، فتاوی و اجماعات را نیزحجت بدانیم، زیرا اجمالاً می‌دانیم که ممکن است مطابقت با واقع داشته باشند و دلیل نداریم اطراف احتیاط را منحصر به اخبار روایت شده در کتب معتبر نمائیم، بلکه مستلزم اهتمام به کتب غیرمعتبر هم هست چون در خصوص آن‌ها نیز این احتمال قابل طرح است. (شیخ انصاری، ۳۵۸/۱ و شهرستانی، ۴۰۰)

آخوند خراسانی در خصوص این نظریه معتقد است: «علم اجمالی دارای سه مرتبه کبیر، متوسط و صغیر است، نخست؛ در علم اجمالی کبیر، همه اطراف آن محل شبهه و تردیداند. اجمالاً می‌دانیم که در شریعت و مذهب احکام و قوانین حاکم است، علمی که برای هر انسان ملتفت و متوجه به دین حاصل است و هر عاقلی می‌داند که شریعت بدون حکم و مقررات نیست. دوم؛ در علم اجمالی متوسط، اطراف شبهه همه امارات اعم از معتبر و غیرمعتبر است. کثرت و تعدد امارات مستلزم انضمام بعض آن‌ها به بعض دیگر و تسری حکم معتبر به غیرمعتبر نیز هست و عقلاً این احتمال نمی‌رود که همه آنها مخالف واقع باشند. سوم؛ علم اجمالی صغیر، منحصر به امارات معتبر است و این علم وجود دارد که امارات وارده در کتب معتبر قابل استناد بوده و حجیت دارند. و علم اجمالی داریم بعض آن‌ها مطابق واقع و صادر از ائمه (ع) است. در مقابل احتمال کذب همه به خصوص با وجود تأیید و تصدیق آن‌ها منتفی است. با این وصف؛ تردیدی نیست علم اجمالی اول به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

علم اجمالی دوم انحلال پیدا می‌کند و علم اجمالی دوم هم به علم اجمالی سوم. چه آن‌که با ملاحظه و اعتبار اطراف علم اجمالی صغیر در قدر میقن و توجه و التفات به این‌که اخبار متعلق علم منحصر در این دسته‌اند علم به بقیه اطراف اعم از اطراف اجمالی کبیر و متوسط اعتبار بلکه زمینه خود را از دست می‌دهند. لذا می‌توان گفت معلوم اجمالی در همه وقایع مشتبهه بیشتر از معلوم اجمالی ضمن مظنونات نیست. چون منشأ علم اجمالی کبیر احتمال وجود احکام شرعی در معنای کلی آن است و با وجود امارات معتبره به میزان و محدوده تعریف شده به واسطه آن‌ها اکتفا می‌گردد، و مانعی در بین نیست که با نبود اماره معتبره به اصول عملیه رجوع شود. (آخوندخراسانی، ۱۰۴/۲ و هاشمی شاهرودی، ۱۹۳/۳) البته نظریه تحلیلی شیخ انصاری و آخوند خراسانی بعدها از سوی شاگردان مکتب اصولی ایشان مانند شیخ عبدالکریم حائری (حائری، ۳۵۰)، میرزای نائینی (نائینی ۱۵۶/۳) مورد انتقاد قرار گرفته و همچنین تقریرهای گوناگون از آن ارائه گردید.

٤ـ نظریّه‌ی فاضل تونی در مورد اعتبار خبر واحد

فاضل تونی نظریه‌ای را بنیان نهاد که براساس آن اعتبار خبر واحد با جاودانگی و ضروریات دین و مذهب پیوند خورد و از این زاویه بر لابدیت حجیّت آن تأکید گردید.وی معتقد است، با وجود تکالیف متعدد به واجبات ضروری دینی در حوزه عبادات، معملات و احکام، از سوی دیگر عدم تردید در بقاء این احکام و قوانین تا روز قیامت و عدم امکان اثبات شرائط و موانع آن‌ها جز از طریق اخبار آحاد منعکس در کتب حدیثی. اگر حکم به عدم اعتبار این احادیث شود لازمه‌اش ترک عمل و تحریف حقائق است. چنان‌که می‌گوید: «أنّا نقطع ببقاء التکالیف إلی یوم القیامة، سیّما بالأصول الضروریّة کالصلاة و الزکاة و الصوم و الحجّ و المتاجر و الأنکحة و نحوها، مع أنّ جلّ أجزائها، و شرائطها، و موانعها، و ما یتعلّق بها، إنّما یثبت بالخبر غیرالقطعی» (فاضل تونی، ۱۵۹)

ترجمه: «به قطع و یقین تکالیف تا روز قیامت جاودانه‌اند، به‌خصوص اصول ضروری از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

قبیل نماز، زکات، روزه، حج، متاجر، عقود ازدواج و نظایر آن‌ها، بـا ایـن‌کـه همـه اجـزاء، شرایط، موانع و آن‌چه متعلق و مربوط به آن‌هاست صرفاً به واسطه خبـر غیرقطعـی اثبـات می‌گردد، به گونه‌ای که اگر خبر واحد کنار نهاده شود چیزی از این امور باقی نمـی‌مانـد، و هر که این مطلب را انکار کند به زبان انکار می‌نماید و قلب او اطمینان و ایمان دارد.»

بر این اساس اگرچه ممکن است در زبان و ظاهر خبر واحد را غیرمعتبر بـدانیم امـا در واقع و نفس‌الامر چنین امری عقلاً ناممکن است.

این دیدگاه که به نظر می‌رسد صرفاً استنباطی نبوده بلکه بیشتر جنبه کلامی و اعتقـادی دارد و از مبانی فقه امامیه به‌شمار می‌رود نه از قواعد استنباطی آن، با انتقـادات اصـولی و فقهی مواجه گردیده است، چنان‌که شیخ انصاری گفته است: «اولاً؛ علم اجمالی به اجـزاء و شرائط موضوعات و احکام آن‌ها از مجموع اخبار (معتبر) حاصـل مـی‌گـردد، نـه ایـن‌کـه منحصر در اخبار قطعی باشد، اگر در این خصوص به خبر واحد استناد می‌گردد نه به سبب اعتبار عقلی آن بلکه از باب احتیاط است. ثانیاً؛ اگر این استدلال را بپذیریم صرفاً بایـد بـه آن دسته از خبرها را قبول کنیم که اجزاء و شرایط را اثبات می‌کنند، در مقابل دلیلی بـرای قبول اخبار دال بر نفی اجزاء و شرائط نخواهیم داشت.» (شیخ انصاری، ۳۶۱/۱)

۵ـ نظریّه‌ی صاحب هدایه المسترشدین

شیخ محمدتقی اصفهانی در حاشیه بر معالم الاصول، بر این عقیده اسـت کـه وجـوب و ضرورت عمل به کتاب و سنّت به اجماع، اخبار متواتر و ضـرورت ثابـت اسـت، تردیـدی نیست بقاء این تکالیف و احکام نیز از طریق همین ادله ثابت اسـت، بنـابراین اگـر امکـان رجوع به کتاب و سنّت باشد و از این طریق علم یا ظن به حکم را تحصیل نمائیم بـر ایـن منوال عمل می‌کنیم، در غیر این صورت برای مراجعه به کتاب و سنت ناچار باید از روشی استفاده نمائیم که ظن به حکم شرعی را دنبال داشته باشد، و از آنجا که عمـل بـه روایـات واجب است ظن به صدور آن‌ها از طریق سنت نیز حاکم خواهد بود. چنان‌که می‌نویسد: «و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

حینئذٍ فإن أمکن الرجوع إلیهما علی نحو یحصل منهما العلم بالحکم أو الظنّ الخاصّ به فهو، و إلّا فالمتّبع هو الرجوع إلیهما علی وجه یحصل الظنّ بالطریق أو بالحکم، و إذاً یجب العمل بالروایات التی یظنّ بصدورها للظنّ بوجود السنّة فیها.» (محمدتقی اصفهانی، ۳۳۷/۳)

ترجمه: «حال اگر امکان ارجاع احکام از طریق علم به حکم یا ظن خاص وجود داشت همین را مبنا قرار می‌دهیم در غیر این صورت ملاک عمل ـ برای ارجاع به کتاب و سنت ـ ظن به طریق یا گمان به حکم خواهد بود، بنابراین عمل به روایاتی که ظن به وجود سنت در آن‌ها می‌رود واجب است.»

شیخ انصاری در نقد این دیدگاه معتقد است؛ این دلیل علاوه بر این‌که تکرار آموزه‌ای است که از دلیل انسداد استفاده می‌گردد و در جای خود پیرامون آن نقد و بررسی لازم به عمل آمده که عالمان اصول از آن برای اثبات حجّیت ظنّ معتبر یا مطلق ظنّ استفاده نموده‌اند و از ادلّه مختص برای حجیت خبر واحد نیست که در این زمینه ظن خاص را افاده نماید، علاوه بر آن سنت قول و فعل و تقریر معصوم(ع) است، اگر مراجعه به کتاب و سنت را لازم می‌دانیم و از طرف دیگر امکان تحصیل علم نسبت به احکام آن‌ها را نداشته باشیم به گفته خود ایشان به مدلول و معنای مستفاد از آن رجوع می‌کنیم، بر این اساس با حصول اطمینان به موداى شهرت یا مورد اجماع منقول به ظن خود عمل می‌کنیم و این چنین نیست که حجیّت و قابلیت برای اعتبار را از مختصات خبر واحد بدانیم. بر فرض تنزل و قبول این نظریه، قاعده‌ای جامع ارائه نمی‌دهد. زیرا: «ظن حاصل به حکم الهی از طریق اماره از مصادیق کتاب و سنت و اخبار متواتر نیست، چنان‌که حکم شرعی براساس اولویّت عقلی یا استقراء برغم این‌که حکم است اما هیچ‌گونه ظن به صدور آن‌ها از امام (ع) وجود ندارد. نیز مواردی حکم قطع به عدم صدور آن‌ها داریم. زیرا بسیاری از احکام با این‌که واقعی‌اند اما در عین مخزون در مصالح‌اند و به صورت عمومی اعلان نگردیده‌اند.» (شیخ انصاری، ۳۶۴/۱)

شیخ انصاری پس از نقد و بررسی در نظریات یاد شده، در تبیین دیدگاه خود می‌نویسد: «و الإنصاف أن الدال منها لم یدل إلا علی وجوب العمل بما یفید الوثوق و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

الاطمئنان بمؤداه و هو الذی فسر به الصحیح فی مصطلح القدماء و المعیار فیه أن یکون احتمال مخالفته للواقع بعیدا بحیث لا یعتنی به العقلاء و لا یکون عندهم موجبا للتحیر و التردد الذی لا ینافی حصول مسمی الرجحان.» (شیخ انصاری، ۳۶۴/۱)

ترجمه: «انصاف قضیه این است، ادله‌ای که به وجوب عمل دلالت دارند، صرفاً شامل مواردی هستند که به مضمون و مودّای آن‌ها وثوق و اطمینان حاصل است، چیزی که در اصطلاح قدما به حدیث صحیح تفسیر گردیده و معیار آن بعید بودن احتمال مخالفت با واقع است، به‌گونه‌ای که نزد عقلا مورد اعتنا و موجب سرگردانی و تردید نباشد، امری که منافاتی با حصول رجحان ندارد.»

بر این اساس، ادله‌ای که برای اعتبار خبر واحد ارائه گردیده صرفاً وجوب عمل به مواردی را اقتضا می‌کنند که وثوق و اطمینان به صدور آن‌ها وجود دارد. چیزی که در اصطلاح قدما حدیث صحیح را به آن تفسیر و تعریف نموده‌اند، ملاک و میزان در این خصوص این است که احتمال مخالفت آن با واقع دور از ذهن باشد، احتمالی عقلائی نباشد و باعث تحیر و تردید نباشد با وجودآن نتوان جانب خبر را ترجیح داد.

۶ـ نظریه منتخب در حجیت عقلی خبر واحد

آن‌چه مسلم است، اجمالاً می‌دانیم بسیاری از روایات مندرج در کتب حدیثی صادر از معصومان(ع) است، علم اجمالی مانند علم تفصیلی منجز تکلیف و مسئولیت‌آور است. بنابراین موافقت قطعی با مودّای آن لازم است. موافقت نیز از طریق عمل به همه این روایات حاصل می‌گردد تا مقتضای علم اجمالی مورد عمل قرار گیرد. همان‌گونه که اشاره شد اشکالاتی بر این نظریه وارد گردید که مجموع و حاصل انتقادات این است، اگر این نظریه را قبول کنیم لازم است حجیت همه اخبار اعم از معتبر و ضعیف را بپذیریم، چون مقتضای قانون منجزیت علم اجمالی این است.

پاسخ نقضی؛ از این اشکال همان‌گونه در بیان آخوند خراسانی گذشت، مبتنی بر قاعده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

انحلال علم اجمالی است، به گونه‌ای که علم اجمالی کبیر به متوسط و متوسط بـه علـم اجمـالی صغیر قابل انحلال است. با فرض این‌که بحث در خصوص روایات وارده در کتب معتبر حـدیثی است، زمینه‌ای برای احتمال کلی در خصوص احکام بدون توجه به این منابع باقی نمی‌ماند.

پاسخ حلّی؛ براساس دیدگاه شهید صدر این است که تطبیق قانون منجزیت علم اجمالی مستلزم این نیست که در خصوص اخبار آحاد آن را به عنوان حجت و دلیل تلقی کنیم. بـه دو دلیل، اول؛ علم اجمالی موجب و ملزم برای عمل در خصوص همه اخبار نیست و ضمن آن‌ها احادیث متکفل احکام ترخیصی نیز وجود دارد. و علم اجمالی صرفاً نسبت به احکام و تکالیف الزامی منجزیت دارد نه ترخیصی. حال آن‌که دلیل و حجت مورد نظر در مبحـث ما اعتبار عقلی خبر ثقه است، با این خصوصیت که در صورت خبر از تکلیـف منجـز و در صورت خبر از ترخیص معذر باشد. دوم؛ عمل به اخبـار ثقـات براسـاس علـم اجمـالی و مستنداً به این نظریه به منظور احتیاط در تکالیف معلوم به اجمال اسـت و پرواضـح اسـت براساس احتیاط نمی‌توان خبر ثقه را مخصص عام یا مقید مطلقات قطعی‌الصـدور قـرارداد، زیرا معنای تخصیص رفع ید از عموم عام یا اطلاق مطلق است و فرض بر این است که هم عمومات و هم اطلاقات مورد نظر قطعی‌الصدور و معلوم‌الحجیه‌اند.

مبرهن و روشن است که رفع ید از معلوم‌الحجیه جز از طریق حجت و دلیل دیگر یعنی مخصص و مقیّد که اعتبار آن ثابت شده است، ممکن نیست. خبری که اعتبار قطعـی آن بـه اثبات نرسیده و در افاده ظن و گمان به‌واسطه آن تردید وجود دارد چگونه می‌تواند موجب تخصیص یا تقیید دلیل قطعی باشد؟ بنابراین اگر مطلق قطعـی‌الصـدوری داشـته باشـیم کـه دلالت بر ترخیص داشته باشد خبر ظنی‌الصدور توان تقیید و تخصـیص آن را نـدارد. مگـر این‌که گفته شود مجموع عمومات و مطلقات ترخیصی اجمالاً مخصص و مقید دارنـد، اگـر حجیت خبر ثقه را به دلیل خاص (عقلی) ثابت ندانیم این امکان را نخواهیم داشـت مـوارد تخصـیص و تقییـد را مشـخص نمـائیم. (شهیدصـدر، ۱۸۲/۳) بـر ایـن اسـاس نظریّـه سیدمحمدکاظم یزدی مبنی بر این‌که طبق بنای عقلا در خصوص اعتبار عقلـی خبـر واحـد منوط به این است که منع عقلی از آن وجـود نداشـته باشـد. (سـیدیزدی، ۲۹۲) نظریـه‌ای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

نزدیک به واقع است. و می‌توان در تکمیل و تتمیم دیدگاه شهید صدر از آن بهره گرفت.

۷ـ نتایج مقاله

۷ـ۱. اهتمام به اعتبار عقلی خبر واحد پیشنه‌ای به قدمت اخبار آحاد دارد و نظریّه نوآمد و تازه یافت نیست، چنان‌که قدمای از عالمان فقه و حدیث به نکته توجه داده‌اند.

۷ـ۲. اگرچه اثبات اعتبار و حجیت خبرواحد و عمل به آن صرفا منوط به آموزه‌های شریعت و مصالحی است که از این ناحیه مقرر می‌گردد، و در این خصوص نیز تابع مصلحت هستیم ـ مصلحتی که از طریق عقل اثبات نمی‌گردد و برای حصول آن نیازمند تصریح به نص و ثبوت شرعی هستیم ـ اما در عین حجیّت ظاهری عقل به عنوان یک راه حل لازم‌الاتباع است.

۷ـ۳. دیدگاه اطلاق‌گرای اخباری‌ها با این چالش مواجه است که نقل حدیث و درج آن در کتب حدیثی تابع منطق مشخص و سبک لازم‌الاتباعی بوده است. و صاحبان کتب حدیثی اصرار داشته‌اند که حدیث را از صاحب کتاب قبلی یا از شخصی که از ایشان شنیده است روایت کنند و صرفاً روایاتی را آورده‌اند که شنیده‌اند.

۷ـ۴. باوجود تکالیف متعدد به واجبات ضروری دینی در حوزه عبادات، معاملات و احکام، و عدم تردید در بقاء این احکام و قوانین و عدم امکان اثبات شرایط و موانع آن‌ها جز از طریق اخبار آحاد منعکس در کتب حدیثی، اگر حکم به عدم اعتبار این احادیث شود لازمه‌اش ترک عمل و تحریف حقائق نیست و از این طریق نمی‌توان عمل به خبر واحد را ضرورت عقلی قابل قبول در شریعت دانست.

۷ـ۵. اگرچه خبر واحد براساس اعتبار ظن خاص حجت دانسته شده است، و از این جهت نمی‌تواند مخصص و مقیّد حجت‌های معلوم و قطعی‌الصدور و متواتر باشد. اما اعتبار آن در خصوص تضییق و توسعه دائره شمول اخبار و حجت‌های ظنی‌الصدور عقلا غیرقابل انکار است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

کتابشناسی

۱. ابن‌زین‌الدین، حسن، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، انتشارات اسلامی، قم، ط نهم، بی‌تا.

۲. اراکی، محمدعلی، أصول الفقه، موسسه در راه حق، قم، ط اول، ۱۳۷۵.

۳. استرآبادی، محمدامین ـ عاملی، سید نورالدین موسوی، الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۲۶ ه‍ ق.

۴. اصفهانی نجفی، محمدتقی بن عبدالرحیم، هدایة المسترشدین، موسسه النشر الاسلامی، قم، ط دوم، ۱۴۲۹هـ‍ق.

۵. انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ط نهم، ۱۴۲۸ق.

۶. ایروانی، علی، الاصول فی علم الاصول، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ط اول، ۱۴۲۲.

۷. تونی، عبدالله بن محمد، الوافیة فی أصول الفقه، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ط دوم، ۱۴۱۵هـ‍ق.

۸. جزائری، سید نعمة الله، کشف الأسرار فی شرح الاستبصار، مؤسسة دارالکتاب، قم، ط اول، ۱۴۰۸هـ‍ق

۹. حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم، الفصول الغرویة فی الأصول الفقهیة، داراحیاء العلوم الاسلامیه، قم، طاول، ۱۴۰۴هـ‍ق.

۱۰. حائری یزدی، عبدالکریم، دررالفوائد، انتشارات اسلامی، قم، ط ششم، ۱۴۱۸ ق.

۱۱. حسینی شهرستانی، محمدحسین، غایة المسؤول فی علم الاصول، آل‌البیت علیهم‌السلام، قم،ط اول، بی‌تا.

۱۲. همو، غایة المسؤول فی علم الاصول، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ط اول، بی‌تا.

۱۳. حلی، جعفر بن حسن، معارج الاصول، موسسه امام علی علیه‌السلام، لندن، ط اول، ۱۴۲۳هـ‍ق

۱۴. حلی، حسن بن یوسف، مبادی الوصول إلی علم الأصول، المطبعه العلمیه، قم، ط اول، ۱۴۰۴هـ‍ق.

۱۵. حلی، حسین، اصول الفقه، مکتبه الفقه و الاصول المختصه، قم، ط اول، ۱۴۳۲هـ‍ق.

۱۶. خویی، ابوالقاسم، دراسات فی علم الأصول، تقریرات هاشمی شاهرودی، علی، موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، قم، ط اول، ۱۴۱۹.

۱۷. رشتی، حبیب‌الله بن محمدعلی، بدائع الأفکار، موسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ط اول، بی‌تا.

۱۸. سیدمرتضی، علی بن حسین، الذریعة إلی أصول الشریعة، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ: تهران، طاول، ۱۳۷۶.

۱۹. سیدیزدی، محمدکاظم طباطبائی، انتشارات مدین، قم، ط اول، ۱۴۲۶.

۲۰. شیرازی، میرزامحمدحسن بن محمود، تقریرات آیة الله المجدد الشیرازی، تقریرات روزدری، مولی علی، موسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، قم، ط اول، ۱۴۰۹.

۲۱. صدر، سیدمحمد باقر، دروس فی علم الأصول، دارالهدی قم، ط اول، ۱۴۲۲هـ‍ق.

۲۲. طوسی، ابوجعفر، محمدبن‌حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ط اول، ۱۳۹۰هـ‍ق.

۲۳. همو، العُدة فی أصول الفقه، محمدتقی علاقبندیان، قم، ط اول، ۱۴۱۷هـ‍ق.

۲۴. عاملی، ابوجعفر، محمدبن‌حسن، استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ط اول، ۱۴۱۹هـ‍ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

۲۵. کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم، رسالۀ فی حجیة الظن، بی‌نا، بی‌جا، ط اول، ۱۳۱۷هـ‌ق
۲۶. مظفر، محمدرضا، اصوال الفقه، بوستان کتاب، قم، ط پنجم، ۱۳۸۷ش.
۲۷. نائینی، محمدحسین، فوائد الاصول، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ط اول، ۱۳۷۶ ش.
۲۸. همو، فوائد الاصول، تقریرات کاظمی خراسانی، محمدعلی، انتشارات اسلامی، قم، ط اول، ۱۳۷۶.
۲۹. نراقی، محمدمهدی بن ابی‌ذر، انیس المجتهدین، موسسه بوستان کتاب، قم، ط اول، ۱۳۸۸ش.
۳۰. همو، تجریدالاصول، سید مرتضی، قم، ط اول، ۱۳۸۴ش.
۳۱. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، الفوائد الحائریة، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ط اول، ۱۴۱۵هـ‌ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.4.5]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]